

حضرت صوفی سید فتح علی ویسی

سرزمین بنگال در قرن نوزدهم میلادی، یکی از شعرای فارسی و مردی عارف و شیخ طریقت و پیر و مرشد را در گهواره خود پروراند که در تصوف و معرفت مقامی بلند داشت. آن شخصیت ارجمند که نام مبارکش سید فتح علی و تخلص او «ویسی» بود، در افق علم و عرفان جلوه‌گر شده و در بنگاله چراغ رشد و هدایت را روشن کرد و مردمانی را که گمراه شده بودند به دین حنیف و شریعت راهنمایی کرد.

حضرت صوفی سید فتح علی ویسی رحمه‌الله در سال ۱۸۲۵ م. در چاتگام در بنگلادش تولد یافت. وی در صغر سن با پدرش به مرشدآباد مهاجرت نمود و آنجا در منطقه دهسه در مدرسه‌ای که آوازه‌اش در سراسر ایالت بنگال پیچیده بود، تحصیلات خود را تکمیل نمود. وی در تفسیر قرآن، حدیث نبوی، فقه، عقاید، منطق، فلسفه، بلاغت و مخصوصاً در زبان و ادبیات عربی و فارسی مهارت داشت. پس از تحصیلات ظاهری طبیعتش به تصوف و عرفان مایل گشت و برای تحصیل علوم باطنی به خدمت مولانا صوفی نورمحمد نظامپوری (م: ۱۸۵۸ م.) حاضر شد و دست بیعت به او داد و در حلقه ارادتمندان وی درآمد و مدتی دراز در خدمت پیر و مرشدش منزل‌های سلوک را طی نمود و در این راه خیلی زحمات کشید و اکتساب علم طریقت کرد و بر اثر صحبت او و فیض روحانی که از وی گرفت، به مرتبه شیخ طریقت و عارف کامل فایز گردید. وی با سلسله تصوف عالیه و سلسله نقشبندیه مجددیه ارتباط داشت و مجاز و خلیفه سلسله عالیه بود.^۱

۱. محمد مطیع‌الرحمن، آئینه ویسی، ص ۱۴۶-۱۸۵.

ویسی پس از تحصیلات باطنی برای کسب معاش رو به سوی کلکته نهاد و در متیا برج نواحی کلکته به عنوان دبیر مخصوص واجد علی شاه به خدمت وی پرداخت و در این خدمتگزاری پیشرفت کرده به عنوان رئیس در حدود دوازده سال وظایف مربوط به این منصب را به خوبی انجام داده و در چهل دو سالگی در ۱۸۶۷ م. از این منصب مستعفی شد.^۱

ویسی در اواخر عمر راه توکل و قناعت را برگزید و بقیه زندگی را به اصلاح عقاید مسلمانان، تبلیغ دین و خدمت بندگان خدا اختصاص داد و در حدود نوزده سال به این کار اشتغال داشت و سرانجام در شصت و یک سالگی به تاریخ ۶ دسامبر ۱۸۸۶ م. به روز یکشنبه در کلکته زندگانی را بدرود گفت و در همین شهر مدفون شد. آرامگاه وی در مانک تله نزدیک کلکته زیارتگاه عقیدتمندان و ارادتمندان است.^۲

ویسی و نعت‌گویی

اساس شاعری ویسی نعت‌گویی است که تصویر آن در سراسر دیوانش به نظر می‌آید. وی پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را بیش از جان و دلش دوست می‌داشت و از مدح و تمجید و تعریف و توصیف محبوب دو جهان خیلی لذت می‌برد. تمام زندگانش را با عشق نبوی و در ثناگویی حبیب کبریا بسر برد و دین و ایمان وی همین بود، چنانکه می‌گوید:

ویسیا از دین و ایمان اینقدر دانیم بس دین ما عشق محمد، حبّ او ایمان ما^۳
ویسی در وصف محبوب رب‌العالمین شعرهایی سروده است که در خور اعتنا می‌باشد؛ می‌گوید:

چه جانان شاه خوبانی سراسر نور تابانی قدم تا سر عجب شأنی سراپا صبح خندانی
خطیب انبیا آمد، مدیح او خدا آمد خطابش مصطفی آمد، گدایش شاه و سلطانی^۴

۱. زین‌العابدین اختری، حیات ویسی (بخش اردو)، ص ۱۱.

۲. ایندو ایرانیکا، انجمن ایران، جلد ۴۳، شماره ۳-۴، ص ۸۰.

۳. صوفی سید فتح علی ویسی، دیوان ویسی، ص ۴.

۴. همان، ص ۱۸۱.

آب روانی که همیشه جاری است هیچ انتها ندارد بعینه عشق محمد صلی الله علیه و آله وسلم هم در جان و تن ویسی جاری و جایگزین است چنانکه می‌سراید:
 ای لعل روان بخش تو چون آب روانست در جان و تنم عشق تو چون آب روانست^۱
 درباره تخصص شاعری خودش در نخستین غزل توضیح می‌دهد که کلامش ترجمان ارادات قلبیش می‌باشد و نقطه خواش و آرزویش ذات مقدس حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم است. یک قطعه در این باره ذیلاً ملاحظه کنید:

مشرق حب محمد مطلع دیوان ما مطلع خورشید عشقش سینۀ سوزان ما
 در ته هر لفظ پنهان ناله دل‌سوز ما وز بن هر حرف پیدا آتش پنهان ما
 هر غزل آتشکده هر بیت آن یک شعله‌ای آتشی افروخته هر مصرع دیوان ما
 آنکه او محبوب رحمان دل شهید آن او وانکه او مطلوب یزدان آرزوی جان ما
 نمونه دیوانگی و فرزانیگی وی در عشق نبی صلی الله علیه و آله وسلم، در شعرهای زیر ملاحظه می‌شود:

دیوانه نهان باشم و فرزانه به ظاهر در عشق شه خیل رسل عادت‌م این‌ست
 پادشاه کشور عشقم جنون دستور من مسند ما خاک کویش، کوی او دیوان ما
 هر کسی را رهبری هر دست را یک دامنی دست ما و دامن احمد بس این تدبیر ما
 سید جمله جمیلان احمد محبوب حق حب او بس رهبر ما عشق او بس پیر ما^۲
 اشعار فوق‌الذکر عمدتاً تفسیراً *أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ*^۳ است. چه مقصدی بزرگ‌تر از این که کسی حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم را رهبر و راهنمای خودش گرداند و از عشق نبوی حظ برد. یک قطعه دیگر از قصیده نعت ویسی ملاحظه فرمایید:
 محبوب خدا سید کونین محمد کو قبله دین است عرب را و عجم را
 سلطان رسل شاه ملک پادشه دین کو رحمت حق است مرا نوع امم را^۴
 ویسی گرچه عاشق صادق و شاعر عالی رتبه است ولی در نعت‌گویی آن ذات

۱. دیوان ویسی، ص ۵۱.

۲. همان، ص ۲۶.

۳. القرآن الحکیم، سوره المایده، آیت ۹۲ (ای مومنان الله و رسول را اطاعت گذار باشید).

۴. دیوان ویسی، ص ۴-۱۳.

مکرم احساس بی‌بضاعتی و کم‌مایگی دارد که در شعر زیر ملاحظه می‌شود:
 ویسی کجا و نعت حبیب خدا کجا ذره کجا و مدحت مهر منورا^۱
 ولی با وصف محبوب دو عالم، شاعر عظمتی به دست آورده است که به آن ناز و
 فخر و اظهار مسرت می‌کند:

در درود مصطفی چون زمزمه سازیم ما
 در سعادت با ملایک بین که انبازیم ما
 چون سراپم نعت آن سلطان دین محبوب حق

طالع ما بین که حق زمزمه سازیم ما^۲
 این برای شاعر خیلی خوشبختی است که در نعت مصطفی صلی الله علیه و آله
 وسلم همراه خدا و فرشتگان شریک زمزمه پردازی باشد و همین نعت‌گویی او باعث
 شد که وی به عنوان «طوطی شکر فشان» و «شه شاعران» در صف شعرای فارسی جای
 گیرد. به شعرهای پایین توجه فرمایید:

این ویسی کج مج بیان از فیض نعت آمده

هم اوحدی، خسرو نوا، حسان بیان سعدی سخن^۳

*

ویسی اندر ثنای تو هر دم همچو طوطی شکر فشان باشد^۴

*

ویسی ترا سزد که به نعت حبیب حق روح‌الامین خطاب شه شاعران دهد^۵
 صوفی سید فتح علی ویسی^(ح) که عشق نبوی و نعت‌گویی را دین و ایمان خود
 قرار داده است، می‌خواهد که تمام زندگانش را به تعریف و توصیف حضرت پیغمبر
 صلی الله علیه و آله وسلم صرف نماید و این مقصد بزرگ و نیک زندگانی را با نیروی

۱. دیوان ویسی، ص ۸.

۲. همان، ص ۷-۲۶.

۳. همان، ص ۴۴۸.

۴. همان، ص ۸۰.

۵. همان، ص ۷۳.

بیان در اشعار زیر ظاهر می‌نماید:

ویسیا تا زنده باشی در جهان باش اندر نعت او شکر شکن
 ویسیا ورد زبان کن روز و شب مدح و وصف آن شه خیرالقرن
 ویسیا شرک است پیش عاشقان دل بجز جانان به چیزی دوختن
 ویسیا گر عاشقی کارت بود در غم او ساختن یا سوختن^۱

ویسی و تبعیت سنت رسول: ایمان بالغیب، اقرار باللسان و اعتقاد به وحدانیت و رسالت، بنیاد اسلام شمرده می‌شود و بدون ایمان کامل و عشق و محبت به رسالت مآب صلی الله علیه و آله وسلم هیچ کس دعوی مسلمانان نمی‌تواند بکند:

مسلمان خوانم آن کس را که در دل عشق تو دارد
 کسی کز عشق تو خالی نمی‌خوانم مسلمانش^۲

تبعیت سنت نبوی کرامت بزرگی است و نشانه عشق به نبی صلی الله علیه و آله وسلم، ویسی علاوه بر اینکه شاعری نازک خیال است، در پایبندی احکام شریعت و پیروی سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نمونه‌ای عالی بود که اطاعت و تبعیت نبوی را در سراسر حیات لازم می‌شمرد. در غزلهای نعتیه خود در باب پیش گرفتن راه مستقیم و تبعیت سنت رسول صلی الله علیه و آله وسلم شعرها سروده است که نمونه‌ای از آنها ذیلاً نقل می‌گردد:

چون راه مستقیم به جز سنت تو نیست ویسی به جان گزیده ره مستقیم را^۳

*

خام کاریست ترک سنت تو عقل خندد به خام کاری ما^۴

*

اگر عشق خدا خواهی به جان شو پیرو احمد صراط‌المستقیم اینست و راه جمله کامل‌ها^۵

۱. دیوان ویسی، ص ۱۳۷.

۲. همان، ص ۱۲۱.

۳. همان، ص ۶.

۴. همان ص ۹.

۵. همان، ص ۲۱.

کسی که خلاف سنت عمل می‌کند ادعای حب نبی صلی الله علیه و آله وسلم از جانب او باطل است، نمونه‌ای از شعرهای او در این باره ذکر می‌گردد.
جز طریق سنتش آنانکه رو آورده‌اند پشت طرف حق نموده رو به باطل کرده‌اند^۱

✽

کسی کو منحرف گردد ز راه سنت احمد همانا گمره کرده از طریق راست شیطان^۲
یعنی تبعیت سنت همان بودن در راه مستقیم است و اگر کسی تارک سنت است مطیع شیطان است و در برابر خدا یاغی و نافرمان.

بی‌شک در روزگاری که در کشور هند شعر و ادب فارسی رو به زوال بود، بسی دور از مراکز علمی و فرهنگی ما درویشی خاک نشین که در کنار مملکت برمه در ایالت بنگال می‌زیست، یعنی حضرت صوفی سید فتح علی ویسی^(رح) با موفقیت و افتخار سخن سرایی می‌کرد و شعرگویی به فارسی را به پیرایه‌های صدق و صفا، تصوف و معرفت، رشد و هدایت، سوز و گداز، عشق صادق، جذبات نرم و لطیف، خیالات رنگین و پرواز تخیل، مزین و مرصع کرد و به جای بلند و پر عزّ و شرف نشانید و خود به مقامی رسید که هیچ یک از شعرای فارسی آن عصر در بنگاله هم طرازش نبودند.

منابع

۱. اختری، زین‌العابدین، حیات ویسی (بخش اردو)، کلکته ۱۹۵۵ میلادی.
۲. انجمن ایران، ایندو ایرانیکا، کلکته، جلد ۴۳، شماره ۳-۴.
۳. مطیع‌الرحمن، محمد، آئینه ویسی، پتنا ۱۹۷۵ میلادی.
۴. ویسی، سید فتح علی، دیوان ویسی، کلکته ۱۹۳۵ میلادی.

۱. دیوان ویسی، ص ۵۹.

۲. همان، ص ۱۲۱.